اتوپلازا، غارت توجه در تنگنای ارزی

وقتی توجه مردم عادی، در قالب یک رویداد نمایشگاهی صرف تولید هاله ارزش برای خودروهای لوکس می‌شود





گزارش
محمد حقگو
روزنامه نگار

در روزهایی که اقتصاد ایران زیر فشار تنگناهای ارزی، تورم فزاینده و محدودیت‌های ژئوپلیتیک نفس می‌کشد، کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص شاهد رویدادی است که گویی در سیاره‌ای دیگر رقم می خورد. خبرگزاری تسنیم از افتتاح مجموعه ای با ۱۶۴ هزار مترمربع وسعت و میزبانی از ۹۰ شوروم خودرویی، با بودجه های چندصد میلیاردی تبلیغاتی و لشکرکشی تمام عیار اینفلوئنسرها خبر داده است. کنسرت های شبانه با حضور خوانندگان مطرح، وعده قرعه‌کشی هر شب یک دستگاه پژو ۲۰۷ و تخفیف های ۲۰۰ میلیون تومانی، هزاران نفر را به این نقطه از غرب تهران کشانده است. اما آنچه این فستیوال را به موضوعی فراتر از یک نمایشگاه تجاری تبدیل کرده، تعارض آن با واقعیت های اقتصادی کشور و سازوکار دقیقی است که بر پایه «اقتصاد توجه» طراحی شده است.

تله اتوپلازا برای «توجه»

اقتصاد توجه مفهومی است که در آن کمیاب ترین منبع عصر حاضر نه سرمایه و نه نیروی کار، بلکه «توجه» انسان هاست. در اتوپلازا، این منبع به‌شکلی نظام‌مند و کم‌هزینه استخراج و به نفع صاحبان دارایی های لوکس به کار گرفته می‌شود.

طبق گزارش تسنیم، بررسی های میدانی از داخل شوروم ها نشان می دهد بخشی از این ویترین ها اساساً ارتباطی با واردات سازمان‌یافته، شناسنامه‌دار و دارای خدمات پس‌از فروش رسمی ندارند، بلکه شامل خودروهای لوکس و کلاسیک دست دوم بازار هستند که توسط دلالان کلان جمع‌آوری شده و اکنون با قیمت‌گذاری های خودمختار و بی‌پایان به نمایش درآمده‌اند. اما این خودروهای چندده‌میلیاردی چگونه باید به بالاترین قیمت ممکن نقد شوند؟ پاسخ را نه در سازوکار معمول بازار، بلکه می توان در تولید تب روانی و ایجاد هاله‌ای از ارزش جست‌وجو کرد.

در این گزارش آمده است طی هفته های اخیر، تقریباً هیچ صفحه‌ای در اینستاگرام از تیررس تبلیغات این مجموعه در امان نماند. از بلاگرهای تخصصی خودرو گرفته تا فعالان حوزه غذا، فشن و سرگرمی، همگی با کمپین های پرهزینه به خط شدند. هلدینگ تبلیغاتی شناخته‌شده‌ای در پس پرده این پروژه به چشم می خورد. کنسرت رایگان و وعده جوایز خودرویی، تله های طراحی‌شده‌ای بودند که پای شهروندان عادی را به جاده مخصوص باز کردند. با این وصف، واقعیت گزنده ای که از این گزارش می توان دریافت، این جاست: بخش عمده بازدیدکنندگان که توان خرید این خودروها را ندارند، ناآگاهانه به ابزار تولید ترافیک و مشروعیت‌بخشی به قیمت‌گذاری های خارج از عرف تبدیل می شوند. برگزارکننده، توجه و هیجان عمومی را به عنوان منبعی رایگان به کار می‌گیرد تا برای دارایی های متمرکزش در میان کمتر از نیم‌درصد جامعه، بازاری انحصاری و بی‌رقیب بتراشد.

این همان فرمول بی رحمانه اقتصاد توجه است: ارزش نه از کیفیت محصول یا اصالت خدمات، بلکه به مدد فضای مجازی از مصادره ارزان قیمت توجه عمومی استخراج می‌شود. مردم عادی به تماشاگر رایگان یک کنسرت و حسرت خورنده ویترین های چندصد میلیارد تومانی بدل می‌شوند، در حالی که سود واقعی نصیب صاحبان سرمایه غیرمولد می‌شود.

جنگ تجمل با سفره‌های مردم

از منظر علم اقتصاد، این رویداد یک شکست آشکار در تابع رفاه اجتماعی است. یعنی هرچند عده‌ای معدود سود کلانی برده‌اند، اما در مجموع نه‌تنها رفاه اجتماعی افزایش نیافته، که حتی به‌دلیل تخصیص غلط منابع کاهش یافته است رفاه کل جامعه نیازمند تخصیص بهینه منابع کمیاب -ارز، اعتبار بانکی و آرامش روانی بازار- به بخش های تولیدی و نیازهای عمومی است. اتوپلازا اما دوآسیب ساختاری سنگین تحمیل می‌کند.

انحراف انگیزه های سرمایه گذاری: پیام روشنی که این فستیوال مخابره می‌کند این است که سوداگرایی و موج سواری بر دارایی های لوکس، چندین برابر تولید ارزش واقعی پاداش مالی دارد.

در شرایطی که بانک مرکزی و وزارت صمت برای ترخیص دارو، قطعات یدکی خطوط تولید و حتی خودروهای وارداتی اقتصادی با پیچیده‌ترین موانع ارزی روبه‌رو هستند، شکل‌گیری چنین فضایی با ظرفیت ده ها دستگاه لکسوس، بی ام و، تویوتا و محصولات چینی لوکس، نشان دهنده اولویت بندی وارونه منابع است. اکبر رنجبرزاده، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، پیشتر هشدار داده بود که دستگاه های نظارتی باید پاسخ دهند: در شرایط جنگ اقتصادی، این منابع ارزی از کجا تأمین می شود و چرا واردات به سمت کالاهای سرمایه‌ای لوکس سوق داده می‌شود؟

اثر منفی بر روان جامعه و انتظارات تورمی: مانور تجمل با پلاک های موقت یا خودروهای میلیاردی، تقویت کننده حس تبعیض و فرسایش سرمایه اجتماعی است. عادی سازی قیمت های سرسام‌آور، انتظارات تورمی را تحریک می‌کند و این تصور را تقویت می سازد که قواعد ارزی و محدودیت های وارداتی صرفاً برای مردم عادی و خودروهای اقتصادی وضع شده‌اند. در کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص، قواعد دیگری حاکم است.

سیاست‌گذار کجای این معرکه ایستاده است؟

این فضا نیازمند مداخله و تنظیم‌گری مشخص است، نه نظاره‌گری یا صدور بیانیه های کلی در حوزه فرهنگ عمومی. سه محور اصلی قابل طرح است:

اول، ردگیری منشأ ارز و شفاف سازی کشف قیمت: نهادهای مرتبط اعم از بانک مرکزی و قوه قضاییه باید منشأ ارز به کار رفته در واردات یا تامین این ناوگان لوکس و سازوکار کشف قیمت در این مجموعه را شفاف کنند. نمی‌توان تنگنای ارزی را برای درمان و تولید تحمیل کرد، با توجیه کمبود منابع موج گرانی را به جامعه سوار کرد و منتقدان را با برچسب هایی چون «مفت خور» (به تعبیر اخیر یک مسئول دولتی) از میدان به در کرد، اما همزمان چشم را بر ریخت‌وپاش ارزی در شوروم های لوکس بست. سازمان تعزیرات نیز باید سازوکار ثبت معاملات و نظارت بر معاملات مبهم خودرویی را شفاف کند.

دوم، تنظیم‌گری مالیاتی جریان تبلیغات: هزینه های هنگفت آژانس های تبلیغاتی و دستمزدهای میلیاردی اینفلوئنسرهایی که بازوی اجرایی این عملیات روانی بوده‌اند، نباید به راحتی به‌عنوان «هزینه قابل قبول مالیاتی» پذیرفته شود. طبق تجارب جهانی شرکتی که با تکیه بر تکنیک های روانی تقاضاسازی کاذب می‌کند، باید مشمول مالیات های تنبیهی یا محدودیت در پذیرش این مخارج قرار گیرد. سازمان امور مالیاتی می تواند در این زمینه نقش فعالی ایفا کند.

سوم، مسئولیت پذیری در خدمات پس از فروش: کالایی که بدون شبکه خدمات پس از فروش و نمایندگی رسمی عرضه می‌شود، صلاحیت برگزاری مانورهای زنجیره‌ای در مقیاس ملی را ندارد. وزارت صمت و سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان باید تکلیف تعهدات خدمات، قطعات یدکی و مجوزهای شوروم‌داری این تعداد خودرو در یک مجتمع متمرکز را مشخص کنند. در شرایط تحریم و خلأ نمایندگی های رسمی، نبود پاسخ روشن برای گارانتی و تأمین قطعات، مصرف‌کننده را در معرض ریسک جدی قرار می دهد.

اتوپلازا بیش از یک نمایشگاه تجاری، نماد شکاف میان واقعیت معیشتی اکثریت جامعه و امکان ریخت‌وپاش در حلقه های محدود است. این رویداد از هم‌سویی منافع میان سرمایه غیرمولد، شبکه تبلیغاتی و اینفلوئنسرها پرده برمی دارد. تنظیم‌گری اقتصادی تنها به معنای کنترل فیزیکی بازار نیست، بلکه شامل جلوگیری از آن است که توجه عمومی به رایگان صرف تولید هاله ارزش و مشروعیت بخشی به قیمت‌گذاری های خارج از عرف در بازار دارایی های لوکس شود. تا زمانی که چنین سازوکاری بدون هزینه و نظارت ادامه یابد، شکاف میان زندگی روزمره مردم و ویترین های تجمل، عمیق تر خواهد شد.

جهش نرخ سود بین بانکی

جیب مردم و بازارها چه تغییری می‌کند؟

گروه اقتصاد- بانک مرکزی قیمت وام کوتاه‌مدت بانک ها به یکدیگر را به مرز ۳۴ درصد رسانده است. در نگاه اول شاید این تصمیم به معنای سود سپرده بالاتر، وام گران‌تر و فشار تازه بر بورس دیده شود؛ جزئیات اما این برداشت را تأیید نمی‌کند، بلکه اتفاقاً سود سپرده از این محل بالا نمی‌رود، نرخ مصوب وام هم الزاماً در کوتاه مدت گران نمی‌شود و این جهش رقابت بازارهای بدون ریسک با بازار بورس را سنگین‌تر نخواهد کرد.

طبق گزارش های منتشرشده در روز گذشته، تابلوی بازار پول ایران با یک تغییر کم سابقه روبه رو شد: نرخ رسمی سود وام های کوتاه‌مدت بین خود بانک ها (موسوم به نرخ سود بین بانکی) از کانال ۲۴ درصد به ۳۳٫۹۲ درصد رسید و به سقف تازه چسبید. تصویر کامل اما این است که پیش از تصمیم تازه هم، معامله واقعی بانک ها با هم حول ۲۹ تا ۳۰ درصد بود؛ پس این افزایش نرخ، صرفاً برای بانک های قرض‌گیرنده حدود ۴ واحد درصد خواهد بود، نه پرش ۱۰ واحد درصدی. ضمن آنکه بانک مرکزی حجم پولی را که در اختیار بانک ها گذاشته بیشتر کرده و این تغییر الزاماً و به‌تنهایی بستن شیر نقدینگی نیست. در واقع ماجرا این است: بانک مرکزی شیر را نبسته؛ قیمت آب را بالا برده است. بانک ها هنوز کسری دارند و طبق گزارش ها، این هفته پول بیشتری هم گرفته‌اند، اما دیگر با نرخ حوالی ۲۴ درصد نه، باکفی نزدیک ۳۲ درصد. هدف، واقعی‌کردن قیمت پول و پرهزینه کردن خلق اعتبار است، نه بالابردن سود سپرده مردم.

سود سپرده‌ها؛ چرا منتظر ارقام بالاتر نباشیم؟

نخستین پرسش سپرده‌گذاران این است که آیا این جهش به معنای افزایش سود حساب های بانکی است؟ پاسخ منفی است. هم‌اکنون نیز نرخ اسمی سپرده های ترجیحی (خاص و بزرگ و تشکیل دهنده بخش عمده سپرده ها) در شبکه بانکی در محدوده ۳۵ درصد قرار دارد؛ نرخی که با احتساب بلوکه‌شدن سهم ذخیره قانونی بانک ها نزد بانک مرکزی، بهای تمام‌شده و مؤثر پول حاصل از سپرده‌گیری را برای شعب به حدود ۴۱٫۲ درصد می‌رساند. از آن جا که نرخ تازه حدود ۳۴ درصد، هم از نرخ اسمی ۳۵ درصدی سپرده ترجیحی کمتر است و هم از بهای تمام‌شده حدود ۴۱٫۲ درصدی آن به مراتب پایین‌تر، این جهش بهانه‌ای برای مسابقه تازه بانک ها بر سر بالابردن سود سپرده نیست. بنابراین، جذابیت سود پرداختی به سپرده‌گذاران دستخوش جهش جدیدی نخواهد شد.

وام های بانکی؛ فشار بر حاشیه سود، نه گرانی قطعی وام

از سوی دیگر بهای تمام‌شده سپرده های ترجیحی از قبل حول ۴۱ درصد بوده و ربطی به این هفته ندارد. تغییر تازه، حدود ۴ واحد درصد هزینه بیشتر برای بانک هایی است که از شبکه بانکی قرض می‌گیرند. تا وقتی نرخ مصوب تسهیلات اصلاح نشود، حاشیه سود همین بانک ها تحت فشار است و ممکن است در پرداخت وام سخت‌گیرانه‌تر عمل کنند. این فشار می‌تواند به تولیدکننده و وام‌گیرنده خرد برسد، اما هنوز به معنای مصوبه گران‌تر برای وام یا قطع تسهیلات نیست.

اثر بر تالار شیشه‌ای بورس؛ چرا جهش نرخ، رقیبِ بورس را قوی‌تر نمی‌کند؟

ضلع سوم این تصمیم، بازار سرمایه است. نرخ اسمی اوراق دولتی روی ۳۶ درصد است و بازده مؤثرش به ۴۳ تا ۴۴ درصد رسیده؛ رقمی که از قبل رقیب جدی سهام بوده و محصول این جهش نیست. بالاآمدن نرخ پایه به حدود ۳۴ درصد این بازده‌ی را سنگین‌تر نمی‌کند و حتی ممکن است فشار نرخ در بازار اوراق کمی پایین بیاید. نگرانی شرکت های بورسی جای دیگری است: اگر بانک قرض‌گیرنده در پرداخت تسهیلات سخت‌گیرتر شود، تأمین سرمایه در گردش دشوارتر می‌شود. در مقابل، اگر این سیاست در میان‌مدت انتظارات تورمی را مهار کند، برای سهام بنیادی می‌تواند اثر متفاوتی داشته باشد. به این صورت که اگر انتظارات تورمی واقعاً پایین بیاید، جذابیت پناه بردن به ارز و طلا کم می‌شود و بازده اسمی رقبای بدون ریسک هم به‌تدریج از فشار تورم خالی می‌شود. آن‌وقت معیار بازار به جای «چه چیزی از تورم جا نمی‌ماند»، سود و دارایی واقعی شرکت ها می‌شود و سهام بنیادی می‌تواند برخلاف فشار کوتاه‌مدت، با اقبال روبه‌رو شود.

درمجموع باید گفت طی اقدام اخیر، بانک مرکزی قیمت پول بانکی را بالاتر برده، اما پیامدش برای مردم یکسان و فوری نیست. سپرده‌گذار از این محل سود بیشتری نمی‌گیرد. وام مردم الزاماً همین روزها گران نمی‌شود، ولی بانک هایی که خودشان با هزینه بالاتر پول جور می‌کنند ممکن است در پرداختش سخت‌گیرتر شوند. بورس هم با رقیب بدون ریسک از قبل سنگین روبه روست؛ این هفته آن رقیب را سنگین‌تر نکرده است.



خبر

تصحیح خبر ناقص رسانه‌ها

درآمد ۲۰ میلیونی شاخص «افزایش» کالابرگ است نه «حذف»!



وزارت کار به خبر ناقص منتشر شده پیرامون قطع کالابرگ واکنش نشان داد. به گفته معاون این وزارتخانه، ارقام اعلام‌شده مربوط به تقویت معیشت دهک های پایین است و سقف های واقعی حذف، فاصله زیادی با این اعداد دارد.

دو روز قبل انتشار یک خبر ناقص و اشتباه در برخی رسانه‌ها مبنی بر «حذف کالابرگ خانوارهای با درآمد ۲۰ و ۲۷ میلیون تومان»، موجی از نگرانی و ابهام را در افکار عمومی ایجاد کرد؛ روایتی مخدوش که با بررسی دقیق‌تر مشخص شد ناشی از خلط مبحث میان سیاست های تشویقی و ضوابط پالایش بوده است. پیگیری ها از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می دهد ارقام مذکور نه تنها ملاک قطع کالابرگ نیستند، بلکه شاخص ارتقای اعتبار کالابرگ خانوارهای کم‌درآمد محسوب می‌شوند.

تصحیح یک سوءتفاهم رسانه‌ای؛ ۲ میلیون یا ۲۰ میلیون؟

ماجرا از آن جا کلید خورد که انتشار ناقص داده ها در برخی خروجی های خبری، این برداشت اشتباه را به همراه آورد که دولت قصد دارد چتر حمایتی خود را از روی خانوارهای با درآمد بیشتر از ۲۰ تا ۲۷ میلیون تومان بردارد. با این حال، پیگیری های خبرگزاری صداوسیما از معاون رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان داد این اعداد، در واقع بازتاب‌دهنده شاخص افزایش کالابرگ های یک میلیون تومانی به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی برای دهک های پایین درآمدی است.

به عبارت دیگر، انتشاردهندگان آن خبر ناقص، «سقف تزریق اعتبار تشویقی» را با «خط قرمز حذف یارانه» اشتباه گرفته بودند. وزارت کار همچنین تأکید کرده است که شاخص های واقعی برای حذف کالابرگ، حداقل چند برابر این ارقام بوده و چارچوب رسمی آن اطلاع‌رسانی شده است.

ملاک های واقعی حذف کالابرگ چیست؟ از درآمد تا دارایی

همزمان با این شفاف سازی، ابعاد جدیدی از دستورالعمل دولت برای پالایش مشمولان کالابرگ مشخص شد. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان در گفت‌وگو با «خراسان آنلاین» با تشریح جزئیات این آیین‌نامه اعلام کرد که برخلاف تصور عموم، مبنای درآمدی به صورت پلکانی و متناسب با بعد خانوار تعریف شده است:

سقف درآمد ماهانه بر اساس خانوار: این سقف برای خانوارهای یک‌نفره ۳۰ میلیون تومان، دونفره ۵۰ میلیون تومان، سه‌نفره ۷۰ میلیون تومان و برای خانوارهای چهارنفره ۹۰ میلیون تومان تعیین شده است.

اثر تعدیل‌گر مسکن: برای حمایت از خانوارهای مستأجر و پوشش هزینه های مسکن، مبلغ ۳۰ میلیون تومان به سقف درآمدی این دسته از خانوارها اضافه می‌شود.

سنجه های غیردرآمدی؛ تا رازو چه دارایی هایی را املاک می‌داند؟

ولیان همچنین درباره شاخص های دارایی و ثروت اظهار کرد: صرف نظر از درآمدهای ماهانه، وضعیت دارایی خانوارها نیز از فیلترهای مشخصی عبور می‌کند. بر این اساس، داشتن خودروی لوکس با ارزش بیش از ۴ میلیارد تومان و مسکن با ارزش بیش از ۳۰ میلیارد تومان، از معیارهای ارزیابی وضعیت متمکنان برای حذف از چتر کالابرگ است. البته ملاک این ارزیابی، فرمول ها و ارزش‌گذاری های مصوب دولت است و لزوماً با قیمت های نوسانی بازار آزاد تطابق ندارد.

داغ تو را به سینه نشاندیم و دم نزدیم
از رفتنت هزار بار شکستیم و خم نشدیم
تو رفته‌ای و خاطره‌ات مانده در دلمان
ای آشنای همیشه، فراموش نمی‌شوی...



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت
همسری عزیز و پدری مهربان

مهندس امیر شاطری کاشی

را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان و اقوام محترم می رسانیم.
مراسم یادبود به پاس احترام و بزرگداشت آن عزیز در روز دوشنبه مورخ
۱۴۰۵/۸/۱۸ از ساعت ۱۷ الی ۱۹ در قصر لیوسا نبش رضوی ۱۶ برگزار می گردد.

خانواده مرحوم:
شاطری – درانیان – غنائی – قدسی

۲۱۹۸۱۵